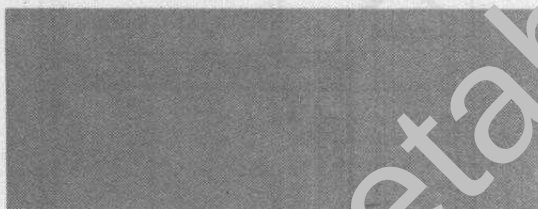


۱۴۲۸.۴۶

[این حجم ناامید]



محمد بن علی خواه

www.ketab.ir

[انتشارات نزدیک تر]



- از اینجا ادبیات به شما نزدیک تر است -

منوان کتاب : این حجم ناامید
مؤلف : محمد وطن خواه
ناشر : نشر نزدیک تر
چاپ : ۱۳۹۷
جلد : ۷۰
طرح بند و ناچهار آرایه : گروه هنری کرشمه

سرشناسی : راه، محمد، ۱۳۷۵
عنوان و نام پدیدآور : این حجم ناامید/ محمد وطن خواه
مشخصات نشر : تهران: نشر نزدیک تر، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهر : ۴۸
شابک : ۹۶۴-۸۹۵۶-۵۲-۵
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : شعر فارسی - قرن
رده بندی کنگره : ۱۴۹۷ ۸۲/ط۳/PIRA
رده بندی دیویی : ۸۵۱/۴۲
شماره کتابشناسی ملی : ۵۳۵۹۴۷۰

شماره تماس : ۰۲۱۶۶۴۸۴۶۶۹ - ۰۹۰۵۷۹۶۲۹۷۰
سایت : www.nazdiktarpub.ir
اینستاگرام و کانال تلگرام : nazdiktarpub
پست الکترونیک : nazdiktarpub@gmail.com
[کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است]

[فهرست]

- ۱- انگار، از اول مقرر بود، این باشد / ۸
- ۲- از عشق این غلطِ عفوناپذیر از من- / ۱۰
- ۳- مینِ موم پوشیده از پوشال تنهایی / ۱۲
- ۴- هر لحظه که با تو دم، گیستم / ۱۳
- ۵- چند روزی می بود ابرو و بارانی ام / ۱۴
- ۶- از هر بیتی که روی زمین است، بهی / ۱۵
- ۷- حتی اگر جایی هوای بهتری باشد / ۱۶
- ۸- هر چه او خواست، همان بودی و بود خود / ۱۷
- ۹- "دوستت دارم" و می دانم که ناملوس نیستی / ۱۸
- ۱۰- وقتی تو نیستی همه ی فصل ها یخی ست / ۱۹
- ۱۱- تو هم مانند من در برگریزان همین شهری / ۲۱
- ۱۲- آن که در راه حرم سر داد، اما ایستاد / ۲۲
- ۱۳- فرقی نمی کند چه زمانی، چه حالی است / ۲۳
- ۱۴- دست را باید بشویم از دل و جان بیشتر / ۲۴
- ۱۵- به هر رنجی دل از عهد و وفایش بر نمی گردد / ۲۵
- ۱۶- تقدیر روزی غصه هایی بی کرات می دهد / ۲۶
- ۱۷- بگذر دوباره عشوه کنان از برم، بخند / ۲۷
- ۱۸- ما را به مهرِ صوریِ مردم چه احتیاج؟ / ۲۸
- ۱۹- هر چه یخ می بندم از سوزِ نگاهی سردسیر / ۲۹
- ۲۰- دنیا بر آن شد بودنِ او را بگیرد / ۳۰
- ۲۱- آتش بزن، «دل» با همه خشک و ترش را / ۳۲
- ۲۲- نمی توان که تو را دید و باز عاقل بود / ۳۳
- ۲۳- پرستیدم تو را، پروا نکردی! پرپر کردی! / ۳۴
- ۲۴- هر شب دلم با یاد تو آشوب، یا غوغاست / ۳۵
- ۲۵- اگر چه دردمند اویم، او دوا نکند / ۳۶
- ۲۶- من مُشرف و آگاه بر آنم که بعید است / ۳۷
- ۲۷- یک لحظه هم خیالِ تو ما را رها نکرد / ۳۹
- ۲۸- کیستم؟ دیوانه ای درگیر افکاری بزرگ / ۴۰
- ۲۹- درونم کوه آشوب است، اما باز خندانم! / ۴۱
- ۳۰- آب پیش موج موی تو امواج دریا هیچ / ۴۲
- ۳۱- توره را با نام خانش می نویسند / ۴۳
- ۳۲- از آتش یخ، پیداست رفتنی ست / ۴۴
- ۳۳- گاه گاهی نامش را عشق، گاهی بردبار / ۴۵
- ۳۴- تو را شبیه به من می کشد و می قرار کند / ۴۷
- ۳۵- من می روم... ولی تو، می ستای... می رسد / ۴۸